

بررسی اصولی - فقهی ضابطه غیر محصور بودن مشتبه در علم اجمالی از دیدگاه محقق نایینی

محمد حسن غضنفری^۱

امیرحسین غضنفری^۲

چکیده

طبق نظر مشهور اصولیان در علم اجمالی، احتیاط به معنای وجوب موافقت قطعی، در اطراف شبهه محصوره، لازم است و در اطراف شبهه غیر محصوره لازم نیست. از این رو، تعیین ضابطه برای محصوره بودن یا نبودن شبهه، امری ضروری می‌باشد. محقق نایینی با بیان این که غیر محصوره بودن شبهه دارای دو ضابطه، یعنی کثرت عدد اطراف و عدم امکان جمع تمام اطراف در استعمال است، به بیان ضابطه‌ای جدید پرداخته و با توجه به همین نکته، علاوه بر عدم وجوب موافقت قطعی قائل به جواز مخالفت قطعی در اطراف این نوع شبهه نیز گردیده است. او با اختیار قول به جواز مخالفت قطعی در این نوع شبهات در مقابل قول مشهور امامیه که فقط مخالفت احتمالی را تجویز کرده‌اند، ایستاده است. به نظر می‌رسد اختلاف نظریه محقق نایینی با مشهور، اختلافی نیست که به مقام عمل مکلفان سرایت کرده باشد؛ بلکه این اختلاف صرفاً در ناحیه نظر و در تعیین ضابطه علمی غیر محصوره بودن مشتبه می‌باشد. از این رو، در نوشتار حاضر به بررسی دقیق مراد محقق نایینی از ضابطه ادعایی در غیر محصور بودن شبهه، با توجه به مطالب اصولی و تطبیقات فقهی این بحث، پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: شبهه، مشتبه، علم اجمالی، غیر محصوره، مخالفت قطعی، محقق نایینی.

۱. دانش پژوه دکتری دانشگاه معارف قم، qazanfari@chmail.ir

۲. دانش پژوه سطح ۳ حوزه علمیه قم، almontazeralmahdi@gmail.com

مقدمه

برای بررسی اصولی-فقهی ضابطه مشتبه غیر محصوره در اطراف علم اجمالی، لازم است ابتدا به بیان کلیاتی در باره علم اجمالی پرداخته شود. یکی از مباحث مهمی که در علم اصول بررسی شده، علم اجمالی و توابع آن می‌باشد. علم اجمالی همان طور که از نامش نیز مشخص است، از دو عنصر علم و اجمال تشکیل یافته است. البته تفاسیر گوناگونی در تبیین حقیقت علم اجمالی بیان شده، اما آن چه مهم است، توجه به وجود اجمال در این علم است؛ به این معنا که در این حالت عالم به بخشی از معلوم علم دارد و بخشی از معلوم نیز برای وی واضح نیست. مثلاً تصور کنید که می‌دانید یک لیوان در اتاق است و اکنون آن را در مقابل خود می‌بینید. در این حالت معلوم شما هیچ گونه ابهامی ندارد و از همه جهات واضح است. حال اگر ببینید که در اتاق دو لیوان وجود دارد که یکی از آن‌ها حاوی خمر است، اما ندانید که کدام یک از این دو لیوان حاوی خمر است، در این حالت وجود لیوان حاوی خمر برای شما واضح است، اما این که کدام یک از این دو لیوان حاوی خمر است، مشخص نیست. در چنین وضعیتی که جهتی از جهات معلوم واضح نیست، تعبیر «علم اجمالی» به کار برده می‌شود؛ بر خلاف حالت قبل که تعبیر «علم تفصیلی» یا علم به صورت مطلق به کار می‌رود.

با این توضیح مشخص شد که عنوان «اجمالی» در حقیقت صفتی برای متعلق علم یا همان معلوم است، نه خود علم که ذات علم مساوی با روشنایی کامل و وضوح است. به همین علت در علم اجمالی، در واقع همان معلوم است که مورد اجمال قرار گرفته است، در مثال بیان شده، علم به وجود یک لیوان حاوی خمر در اتاق روشن بود، اما معلوم آن علم که آیا این لیوان است یا لیوان دیگر، مبهم بود. به همین علت مصداق علم اجمالی معرفی شد.

چنان که مشخص گردید، همیشه در علم اجمالی نیاز به اطرافی داریم که تردید در میان آن‌ها حاصل شود، چرا که اگر این اطراف وجود نداشته باشند، علم تفصیلی

خواهیم داشت نه علم اجمالی. بنا بر این تحقق علم اجمالی منوط به وجود اطراف است که انطباق علم بر تمام آن افراد به صورت مساوی محتمل باشد و قطعی نباشد. از همین جاست که در سخنان اصولیان، بحث از شبهه محصوره و غیر محصوره مطرح می‌شود؛ مثلاً اگر اطراف شبهه دو عدد باشد که یکی از آن‌ها در واقع متعلق علم است، این شبهه، شبهه محصوره می‌باشد به این معنا که اطراف آن محصور و محدود بوده‌اند، اما اگر فرض کنیم که یک لیوان در میان این یک میلیون لیوان حاوی خمر است، در این حالت از شبهه به شبهه غیر محصوره تعبیر شده و مورد شبهه نیز مشتبه غیر محصوره نام می‌گیرد.

باید توجه داشت که تعیین محصوره بودن مشتبهات یا غیر محصوره بودن آن‌ها، همیشه به این سادگی نیست، زیرا گاهی اوقات شک بین تطبیق یک لیوان خمر در میان پنجاه لیوان یا حتی کمتر است. به همین سبب، میان اصولیان، بحثی مهم در باره تبیین ضابطه‌ای برای تشخیص محصوره یا غیر محصوره بودن شبهه شکل گرفته است. اهمیت این بحث وقتی روشن و قابل درک می‌شود که به اقوال اصولیان در باب این شبهات دقت گردد. اصولیان احتیاط به معنای موافقت قطعی را در اطراف مشتبه محصوره لازم دانسته‌اند، به این معنا که در مثال یاد شده باید از هر دو لیوان اجتناب کرد و نمی‌توان حتی یکی از آن دو لیوان را نوشید، اما وجوب موافقت قطعی را در اطراف مشتبهات غیر محصوره لازم ندانسته‌اند، به این معنا که لازم نیست به صرف علم به وجود یک لیوان خمر در میان یک میلیون لیوان، همه آن‌ها دور ریخته شود. به همین دلیل یعنی اختلاف حکم این دو نوع شبهه، بحث از تعیین ضابطه‌ای برای تشخیص آن‌ها، بحثی مهم خواهد بود.

در میان اصولیان محقق نایینی نیز با بیان ضابطه‌ای، سعی در تفریق میان این دو نوع مشتبه داشته است. نایینی با بیان این که کثرت افراد مشتبه و عدم امکان جمع آن‌ها در استعمال، ضابطه تعیین غیر محصوره بوده شبهه است، در صدد تفریق میان این دو نوع مشتبه برآمده و ثمراتی نیز بر این ضابطه مترتب کرده است. او با بیان این ضابطه،

مخالفت قطعی را نیز در اطراف این نوع مشتبه جایز دانسته است، این نظریه در تعبیر، مخالف با نظریه مشهور اصولیان است. گرچه بعد از دقت در مراد وی و سایر اصولیان، تفاوتی عملی میان این دو نظریه دیده نمی‌شود.

به همین دلیل، این مقاله ابتدا در صدد تبیین دقیق مراد محقق نایینی است تا روشن شود که آیا وی در مقام عمل نیز مخالف مشهور است یا این که اختلاف صرفاً در نوع تعبیر می‌باشد. سپس دیدگاه نایینی بررسی و نقد شده، در پایان به تطبیق این ضابطه بر بعضی مصادیق فقهی پرداخته می‌گردد.

تبیین نظریه محقق نایینی

در تقریرات محقق نایینی بحث از حقیقت شبهه غیر محصوره با توجه به منجزیت علم اجمالی تبیین شده است، به این معنا که ایشان قبل از بیان ضابطه در مورد حقیقت این گونه شبهات به بررسی عواملی پرداخته است که موجب تنجیز علم اجمالی می‌شود. وی با توجه به این نکته، ضابطه‌ای را بیان داشته است. (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۵)

محقق نایینی در بیان ضابطه آورده است که شبهه غیر محصوره دو مؤلفه دارد. اول، این که دارای اطراف زیادی باشند و دوم، این که استعمال آن افراد زیاد برای مکلف عادتاً ممکن نباشد، با این که آن افراد در محل ابتلای او هم وجود دارند. (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۵؛ همو، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۷) بنا بر این، هر شبهه‌ای که بر این دو مورد قابل انطباق باشد، شبهه غیر محصوره خواهد بود. مثلاً اگر چندین لیوان پر از مایع در مقابل مکلف باشند که یکی از آن‌ها حاوی خمر است، در این حالت باید بررسی شود که آیا امکان استعمال همه این ظروف برای مکلف وجود دارد یا خیر؟ اگر چنین امکانی وجود نداشت، این مورد از موارد شبهه غیر محصوره خواهد بود.

محقق نایینی با بیان ضابطه یاد شده، در صدد تفهیم این مطلب است که بحث از محصوره یا غیر محصوره بودن شبهه، به موارد اسقاط منجزیت علم اجمالی گره نخورده است؛ بلکه اساساً بعد از اثبات تنجیز علم اجمالی به صورت تام، این بحث مطرح می‌شود که آیا چنین تنجیزی در دایره شبهه غیر محصوره نیز وجود دارد یا خیر.

بنا بر این، بیان ضابطه‌ای برای غیر محصوره خواندن شبهه که در حقیقت باعث عدم منجزیت علم اجمالی شود، خروج از محل بحث است. با این بیان، محقق نایینی تحدید شبهه غیر محصوره را با این قید نمی‌پذیرد که بعضی از اطراف آن از محل ابتلای مکلف خارج باشند و آن را خروج از محل بحث می‌شمرد. (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۵) می‌توان گفت نگاه محقق نایینی به شبهه غیر محصوره، نگاه به یکی از مسقطات منجزیت علم اجمالی در عرض سایر مسقطات است. وی نگاه مسقطیت طولی را برای شبهه غیر محصوره، اشتباه می‌خواند.

به بیان دیگر، محقق نایینی در تعیین ضابطه غیر محصوره بودن شبهه، نگاهی خاص به منشأ این بحث داشته، با توجه به این که خاستگاه این بحث، منجزیت یا عدم منجزیت علم اجمالی نسبت به مشتبهات غیر محصوره است، بحث را به جایی منحصر دانسته که علت عدم تنجیز علم اجمالی از طرف غیر محصوره بودن شبهه آمده باشد، زیرا اگر علت عدم تنجیز از جانبی دیگری باشد، این بحث مرتبط با تقسیم شبهه به محصوره و غیر محصوره نخواهد بود و تمامی اقسام شبهه را شامل می‌شود. به عنوان نمونه، اگر گفته شود که شبهه غیر محصوره، شبهه‌ای است که بعضی اطراف آن از محل ابتلا خارج باشد، در حقیقت شبهه غیر محصوره به درستی تعریف نشده است، زیرا این ضابط قابلیت تحقق در موارد شبهه محصوره‌ای را نیز دارد که فقط دارای دو طرف می‌باشند. در حقیقت این گونه ضوابط، بدون این که نگاهی به تحدید شبهه غیر محصوره داشته باشند، صرفاً به بیان عدم منجزیت علم اجمالی پرداخته‌اند.

به نظر می‌رسد که نایینی با بیان این ضابطه در صدد است که یکی از ارکان فعلیت تکلیف را در اطراف شبهات غیر محصوره ساقط نماید، زیرا قدرت بر امتثال تکلیف یکی از ارکان فعلیت آن است. از دیدگاه وی، زمانی شبهه غیر محصوره است که قدرت بر امتثال تمام اطراف تکلیف وجود نداشته باشد. طبق این بیان، چون در اطراف علم اجمالی در این گونه شبهات همیشه قدرت نسبت به بعضی اطراف وجود ندارد، پس تکلیف نسبت به همان اطرافی که غیر مقدور هستند، فعلی نخواهد بود و چون تکلیف

فعلی نخواهد بود، مولا مطالبه‌ای از عبد نسبت به امثال نیز نخواهد داشت. از همین جاست که محقق نایینی وجوب موافقت احتمالی در اطراف علم اجمالی را نیز ساقط می‌داند که توضیح آن ذکر خواهد شد.

با مجموع این نکات مراد محقق نایینی در شبهه غیر محصوره کاملاً روشن گردید، اکنون دو مثال برای تطبیق بحث بیان می‌شود. اگر فرض کنیم که علم به نجاست یک دانه گندم در میان هزار دانه گندم وجود دارد، به نظر محقق نایینی در این حالت شبهه محصوره است، زیرا اگرچه اطراف کثیر هستند، اما امکان استعمال همه آن‌ها عاداتاً وجود دارد. اما اگر فرض نماییم که در میان سطل‌های ماست شهر، یکی نجس است، در این حالت شبهه غیر محصوره است، زیرا اگرچه تعداد ماست‌های شهر به اندازه تعداد گندم‌ها نیست، اما عاداتاً امکان استعمال همه آن‌ها وجود ندارد. به همین علت، شبهه غیر محصوره خواهد بود. در مثال دوم شبهه این است که علت عدم منجزیت علم اجمالی، خروج بعضی اطراف از محل ابتلا است، نه غیر محصوره بودن. نایینی برای دفع این شبهه، در عبارات خود تصریح می‌کند که حتی اگر مکلف بتواند همه سطل‌های ماست را استفاده کند، اما باز هم چون امکان استعمال همه آن‌ها عاداتاً وجود ندارد، شبهه غیر محصوره خواهد بود. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۷)

محقق نایینی با توجه به این ضابطه، مخالفت قطعی در اطراف شبهه غیر محصوره را جایز دانسته است. توضیح آن که در اطراف شبهات مقرون به علم اجمالی دو نوع مخالفت قابل فرض است. اگر در اطراف شبهه به گونه‌ای عمل شود که یقین به مخالفت با تکلیف حاصل گردد، مخالفت قطعی رخ داده است، اما اگر در اطراف شبهه به نوعی مخالفت انجام شود که فقط احتمال ارتکاب خلاف تکلیف وجود داشته باشد و نه یقین به آن، مخالفت احتمالی رخ داده است. به عنوان نمونه، اگر در میان ده لیوان مایع، یکی از آن‌ها خمر باشد و مکلف همه ده لیوان را بنوشد، مخالفت قطعی انجام داده است، اما اگر نه لیوان را بخورد و یکی را نخورد، در این حالت مخالفت احتمالی انجام داده است، زیرا ممکن است لیوان حاوی خمر، همان لیوانی باشد که کنار گذاشته شده است.

به نظر می‌رسد منشأ این تفسیر از محقق نایینی، مسلک او در منجزیت علم اجمالی باشد. وی معتقد است که علت تنجیز علم اجمالی، تعارض اصول در اطراف معلوم به اجمال با علم تفصیلی به وجود تکلیف در بین اطراف است. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۵) مثلاً اگر علم داشته باشیم به وجود یک لیوان نجس در بین دو لیوان، اصالت طهارت در لیوان اول و اصالت طهارت در لیوان دوم با علم به وجود نجس در بین این دو لیوان تعارض دارند و نتیجه این تعارض، تساقط و عدم امکان ارتکاب هر دو طرف می‌باشد. از این رو، نایینی در محل بحث نیز ضابطه‌ای تعریف کرده که با همین تعارض اصول در سازگاری است. توضیح آن که وقتی قدرت عادی در ارتکاب همه اطراف وجود نداشته باشد، در حقیقت اصل مؤمن در طرفی که خارج از قدرت است، جاری نمی‌شود. در این حالت در طرف دیگر اصل مؤمن بدون معارض جاری می‌گردد. به همین سبب، احتیاط در شبهه غیر محصوره واجب نمی‌باشد. با توجه به این نکته مشخص می‌شود که در نگاه نایینی صرفاً هنگامی که امکان مخالفت قطعی وجود نداشته باشد، شبهه غیر محصوره خواهد بود. بنا بر این ضابطه شبهه غیر محصوره، قدرت عادی بر استعمال جمیع اطراف نیست؛ بلکه صرفاً عدم قدرت بر استعمالی است که به مخالفت قطعی بینجامد. به عنوان مثال، اگر علم داشته باشیم به نجاست پنجاه لیوان در میان صد لیوان آب، اگر صرفاً امکان استعمال پنجاه و یک لیوان از این مجموعه وجود داشته باشد، شبهه غیر محصوره نخواهد بود، زیرا امکان مخالفت قطعی وجود خواهد داشت. خود محقق نایینی، هنگام بیان ضابطه شبهه غیر محصوره به این نکته اشاره نکرده است، (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۶؛ همو، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۸) اما از سخنش در حکم این گونه شبهات که قائل به جواز مخالفت قطعی است، چنین مطلبی به وضوح قابل استفاده است. بعضی اصولیان نیز از کلام او چنین استفاده کرده‌اند. (صدر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۴۵)

با توجه به این توضیح، باید گفت که اصولیان مخالفت احتمالی در اطراف شبهه غیر محصوره را جایز می‌دانند، اما مخالفت قطعی را جایز نمی‌دانند. (صدر، ۱۴۱۲، ج ۳،

ص ۴۰۳؛ انصاری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۶۶) محقق نایینی بر خلاف مشهور، علاوه بر جواز مخالفت احتمالی، قائل به جواز مخالفت قطعی در اطراف این گونه شبهات شده و بیان داشته است:

و مما ذكرنا من الضابط يظهر حكم الشبهة الغير المحصورة و هو عدم حرمة المخالفة القطعية و عدم وجوب الموافقة القطعية. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۸)

ظاهر این کلام محقق نایینی با ظاهر کلمات مشهور در تعارض و تنافی است، زیرا مشهور مخالفت قطعی را جایز ندانسته و محقق نایینی جایز دانسته است. نکته مهم این است که با اندکی کاوش در سخنان نایینی در هر دو تقریر اصولی موجود از او و تأمل در تعیین مرادش، می‌توان به وضوح از عدم چنین اختلافی در میان او و مشهور پرده برداشت. بار دیگر ضابطه نایینی در شبهه غیر محصوره را مرور می‌کنیم. او ادعا کرده بود که هر گاه اطراف شبهه کثیر باشند به گونه‌ای که استعمال همه آنها عادتاً ممکن نباشد، شبهه غیر محصوره است. از سوی دیگر نیز بیان شد که معیار تحقق مخالفت قطعی، مخالفت با تمام اطراف شبهه است. با توجه به این دو نکته روشن می‌شود که مراد محقق نایینی در مقام عمل با مشهور هیچ تفاوتی ندارد. تفاوت دو قول، صرفاً در سالبه به انتفاء موضوع و سالبه به انتفاء محمول بودن است. مشهور با توجه به ضابطه خودش در غیر محصوره بودن شبهه، مخالفت قطعی را تصوراً ممکن می‌داند، اما حکم به عدم جواز شرعی چنین مخالفتی داده است. این در حالی است که محقق نایینی اساساً مخالفت قطعی در اطراف شبهه غیر محصوره را ممکن نمی‌داند، چرا که یکی از دو مؤلفه ضابطه او، عدم امکان استعمال همه اطراف می‌باشد. بنا بر این به نظر او اساساً مخالفت قطعی در شبهه غیر محصوره فرض ندارد تا بخواهیم درباره جواز یا عدم جواز آن، سخن به میان بیاوریم.

به بیان دیگر این که نایینی گفته است مخالفت قطعی در اطراف شبهه غیر محصوره مانعی ندارد، قضیه سالبه به انتفاء موضوع است، به این معنا که مخالفت قطعی مانعی ندارد، چون اساساً مخالفت قطعی ممکن نیست. سرّ تعبیر نایینی به عدم حرمت

مخالفت قطعی نیز همین است، زیرا اگر بیانش در صدد جواز مخالفت قطعی در فرض امکان ثبوتی آن بود، باید می‌گفت مخالفت قطعی جایز است (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۹)، در حالی که او در این قسمت صرفاً از تعابیر سلبی استفاده کرده است.

شاهد دیگر بر عدم تنافی میان قول نایینی و مشهور این است که خود محقق نایینی نیز این بیان را فقط در شبهات تحریمیه بیان کرده است، زیرا با ضابطه او اساساً در این شبهات، فرض مخالفت قطعی، خلاف شبهه غیر محصوره بودن است. اما در شبهات وجوبیه که می‌توان ترک تمام اطراف و تحقق مخالفت قطعی را فرض کرد، خود او نیز قائل به حرمت مخالفت قطعی می‌باشد. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۹) به عنوان نمونه، اگر کسی نذر کرده که لیوان حاوی شربت عسل را بنوشد و آن لیوان بین تمام لیوان‌های موجود در شهر مردد شد، به همه لیوان‌ها دسترسی ندارد، اما با صرف نخوردن آن مواردی که در دسترسش هستند نیز مخالفت قطعی حاصل می‌شود. به همین علت. مخالفت قطعی در شبهات وجوبیه فرض دارد و از آن جا که مخالفت قطعی مستلزم نقض علم به وجود تکلیفی بین همه لیوان‌ها است، جایز نمی‌باشد. خود نایینی نیز در شبهات وجوبیه صرفاً جواز مخالفت احتمالی را پذیرفته است. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۹)

با این بیان مشخص شد که در نظر محقق نایینی در شبهه غیر محصوره، میان شبهات تحریمیه و وجوبیه تفاوت وجود دارد. محقق نایینی که خود می‌داند که در دیدگاه اصولیان امامیه فرق‌گذاری میان شبهات تحریمیه و وجوبیه مرسوم نیست، در توجیه این ادعایش در صدد است ادله دیگران برای توجیه عدم وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی را رد کند. وی شش دلیل از ادله قول مشهور را بیان و مخدوش می‌نماید. به همین سبب، به ناچار قائل به فرق میان شبهات تحریمیه و وجوبیه غیر محصوره می‌شود. بحث از این دلیل و بررسی آن‌ها نیازمند نوشتاری مستقل است و در این نوشتار نمی‌گنجد. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۲۰)

اشکالات وارد شده بر محقق نایینی

اشکال نخست

این ضابطه به شبهه غیر محصوره مختص نیست، زیرا می‌توان در شبهات محصوره نیز چنین فرضی را در نظر گرفت. به عنوان مثال، اگر کسی بداند که در وقت زوال یا نباید در این اتاق باشد یا در غیر این اتاق، در این حالت امکان جمع هر دو وجود ندارد، اما واضح است که شبهه غیر محصوره نیست. به بیان دیگر این ضابطه جامع افراد نیست، زیرا تمامی شبهات را در برمی‌گیرد. نیز اگر شخصی بداند یکی از دو لیوان حاوی خمر است، اما یکی از لیوان‌ها را غاصبی برداشته باشد که عادتاً پس گرفتن لیوان از او ممکن نباشد، در این حالت نیز واضح است که شبهه محصوره است، اما باز هم ضابط محقق نایینی صادق خواهد بود. (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۳۶) در هر دو مثال در فرض عدم امکان استعمال یک طرف، اصل مؤمن نسبت به طرف دیگر جاری خواهد بود و دلیل محقق نایینی بر بیان این ضابطه که عدم امکان مخالفت قطعی می‌باشد، صادق خواهد بود.

پاسخ اشکال نخست

این اشکال از برخی اصولیان نقل شده است، اما صحیح نیست، زیرا در بیان این اشکال به یکی از دو مؤلفه‌ای که نایینی برای تحقق شبهه غیر محصوره ذکر کرده بود، توجه نشده است. نایینی علاوه بر اشتراط عدم قدرت عادی بر استعمال، کثرت اطراف را نیز به گونه‌ای شرط کرده بود که این کثرت، سبب ممکن نبودن مخالفت قطعی باشد. بنا بر این، طبق نظریه او این اشکال مردود است. نکته یاد شده، در همه مثال‌هایی که این مستشکل برای اثبات ادعای خود ذکر کرده، مغفول مانده است. (روحانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۴۱)

به بیان دقیق‌تر، اگر صرفاً در فرض عدم امکان مخالفت قطعی، ارتکاب بقیه اطراف جایز می‌شد، این اشکال وارد بود، زیرا در مثال‌های یاد شده نیز مخالفت قطعی عقلاً یا عادتاً ممکن نیست. اما نکته این جاست که جواز ترخیص در مخالفت قطعی به خودی خود مورد ادعای نایینی نمی‌باشد. جواز ترخیص در مخالفت قطعی، زمانی که ناشی از کثرت اطراف باشد، مورد ادعای ایشان است. این حالت فقط در شبهات غیر محصوره

وجود دارد. علت این که بین حالتی که اطراف کثیر باشد یا نباشد فرق گذاشته می‌شود، آن است که در حالت کثرت اطراف، عقلا غرض ترخیصی را بر غرض لزومی مقدم می‌کنند و مانعی از این تقدیم نمی‌بینند. این در حالی است که وقتی اطراف کم باشند، عقلا چنین تقدیمی را نمی‌پذیرند، زیرا تقدیم یکی از اطراف، با علم آن‌ها به وجود تکلیف در تعارض خواهد بود و با توجه به قلت اطراف، امکان تقدیم بعضی اطراف در نگاه عقلا ساقط می‌شود. (صدر، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۲۹)

اشکال دوم

مراد از عدم امکان جمع اطراف در استعمال مشخص نیست. اگر مراد، عدم این امکان در استعمال در یک زمان و یک استعمال باشد، باطل است، زیرا در بسیاری از شبهات محصوره نیز چنین امکانی تحقق ندارد. اگر مراد، عدم امکان استعمال همه اطراف در وقایع متعدد است، در این صورت بسیاری از موارد شبهه غیر محصوره از ذیل این ضابطه خارج می‌شوند، زیرا در بسیاری از موارد امکان استعمال همه اطراف در طول سال‌ها وجود خواهد داشت. (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۳۷)

به این ترتیب، ضابطه محقق‌نابینی، نوعی غموض دارد و ما برای بر طرف کردن این غموض، نیازمند ضابطی هستیم. این ضابطه، نمی‌تواند ضابطی صحیح برای تعیین موارد شبهه غیر محصوره باشد. به بیان دیگر، این ضابطه یا مانع افراد نیست و یا جامع اغیار نیست و در هر دو صورت، صلاحیت تمییز دادن بین موارد شبهه غیر محصوره از محصوره را ندارد.

پاسخ اشکال دوم

اشکال یاد شده مستلزم ابطال این ضابطه نیست، زیرا حتی اگر آن را بپذیریم، فقط در مواردی صادق است که بقا و استمرار دارند، اما در مواردی که عرفاً دفعی هستند، این ضابطه تام خواهد بود. به عنوان نمونه، اگر فرض کنیم در میان سطل‌های ماست این شهر یکی نجس است، در این حالت امکان استعمال همه اطراف - گرچه به صورت تدریجی - وجود نخواهد داشت، بنا بر این ضابطه قابلیت انطباق بر تمام مواردی را دارد که عرفاً دفعی هستند و تدریجی نیستند.

در مواردی که عرفا استمرار دارند، مانند جایی که کسی می‌داند که نباید از یکی از دروازه‌های شهر وارد این شهر شود، ظاهر بدوی عدم صحت این ضابطه است زیرا با این که دروازه‌های شهر زیاد هستند، اما امکان جمع اطراف در استعمال‌های متعدد وجود دارد. با اندکی دقت در تعبیر محقق نایینی ضعف این اشکال نیز نمایان می‌شود، زیرا نایینی گفته است که ضابط کثرت اطراف است به صورتی که امکان جمع آن‌ها در استعمال نباشد. بنا بر این مستشکل دو قسمت را بیان کرده است. مراد محقق نایینی، لزوماً یکی از آن‌ها نیست، بلکه در هر حالتی که ضابطه دو مؤلفه‌ای او صادق باشد، شبهه غیر محصوره خواهد بود. بنا بر این در هر حالتی با صرف وجود افراد کثیر، شبهه غیر محصوره نخواهد بود. پس مهم در ضابطه نایینی، عدم وجود قدرت عرفی بر جمع میان همه اطراف است، چه در یک واقعه باشد و چه در وقایع متعدد. (نایینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۲۷۶)

اشکال سوم

اگر ضابطه محقق نایینی صحیح باشد، موارد شبهه کثیر در کثیر لزوماً باید به شبهه غیر محصوره پیوند و احتیاط در آن لازم نباشد، اما قول به الحاق شبهه کثیر در کثیر به شبهه محصوره و وجوب احتیاط در آن، در میان اصولیان اجماعی است. بنا بر این این ضابط صحیح نیست. (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۳۰) توضیح آن که در شبهه کثیر در کثیر، هر دو مؤلفه محقق نایینی وجود دارد، زیرا هم اطراف زیاد است و هم جمع اطراف در استعمال ممکن نیست. به عنوان مثال، وقتی به نجاست هزار لیوان در میان دو هزار لیوان علم داریم، اطراف شبهه بسیار زیاد است. از سوی دیگر، امکان جمع اطراف در استعمال هم وجود ندارد. بنا بر این در این گونه شبهات نباید احتیاط لازم باشد، در حالی که به اجماع اصولیان، احتیاط لازم و واجب است.

پاسخ اشکال سوم

اکثر اصولیان بر این باورند که شبهه کثیر در کثیر به شبهه محصوره ملحق می‌شود، اما این که چه شبهه‌ای کثیر در کثیر است، اجماعی نیست و به نظر می‌رسد مستشکل خلط میان این دو مسأله خلط کرده است.

طبق نظر محقق نایینی در هر موردی که امکان جمع اطراف زیاد در استعمال وجود داشته باشد، شبهه محصوره است، بنا بر این اگر به وجود پنجاه لیوان نجس در میان شصت لیوان علم داشته باشیم، در این حالت با این که اطراف زیاد است، اما چون امکان مخالفت قطعی در یک استعمال وجود دارد، شبهه محصوره است. دلیل آن است که عرفاً می‌توان یازده لیوان از این مجموعه را در یک بار نوشید، بنا بر این در این مورد با آن که اطراف شبهه زیاد است و معلوم به اجمال هم زیاد است، اما به نظر نایینی هم احتیاط لازم است. پس این اشکال نمی‌تواند نظریه محقق نایینی را باطل کند، چرا که محقق نایینی هم مانند مشهور، در مصادیق زیادی شبهه کثیر در کثیر را به محصوره ملحق می‌کند. نکته مهم آن که مخالفت نام برده، در سایر موارد، مخالفت در تشخیص مصداق است نه در حکم و به اجماع ضرری نمی‌رساند. (صدر، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۴۵)

نیز می‌توان ادعا کرد که شبهه کثیر در کثیر، در حقیقت چندین شبهه محصوره است که از ضمیمه کردن آن‌ها به هم، چنین شبهه‌ای ایجاد شده است، زیرا اگر مکلف به وجود هزار لیوان حاوی خمر در میان دو هزار لیوان علم داشته باشد، در این حالت او اطمینان دارد که مثلاً از هر ده لیوان یکی خمر است، بنا بر این چندین شبهه محصوره برای او ایجاد می‌شود و حکم به احتیاط نیز از همین باب است. طبق این ادعا، مسأله مورد گفت‌وگو اساساً به شبهه غیر محصوره ربطی پیدا نمی‌کند تا بتوان ضابطه محقق نایینی را به چالش کشید. افزون بر این که الحاق شبهه کثیر در کثیر به شبهات محصوره، در میان بعضی اصولیان دیگر هم مورد مناقشه قرار گرفته است. (روحانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۴۷)

اشکال چهارم

این ضابطه خود غیر منضبط است، زیرا مراد از عدم امکان استعمال به صورت عادی مشخص نیست. استعمال در هر چیزی با چیز دیگر متفاوت است، مثلاً اگر علم به وجود یک تکه چپیس نجس در میان دویست تکه چپیس باشد، عادتاً می‌شود در استعمال واحد آن‌ها را مرتکب شد، اما اگر همین علم به یک تکه گوشت در میان دویست تکه باشد، عادتاً امکان ارتکاب کل وجود ندارد. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۱)

بنا بر این خود این ضابطه واضح نیست و نمی‌تواند معیاری برای تشخیص شبهه محصوره و غیر محصوره باشد.

پاسخ اشکال چهارم

با توجه به توضیحاتی که بیان شد، پاسخ از این اشکال نیز امری واضح به نظر می‌رسد، زیرا در این جا نیز مستشکل بین اختلاف تطبیق قدرت عادی بر جمع در استعمال با مفهوم قدرت عادی خلط کرده است. آن چه که مختلف است، تطبیق این قدرت بر مصادیق متفاوت است، اما آن چه که واضح است و در معیار محقق نایینی نیز مطرح شده، وضوح چنین مفهومی می‌باشد. به این ترتیب، وجود قدرت عادی بر استعمال تمام اطراف یا عدم آن، امری واضح است که البته تعداد و گونه استعمال در موارد مختلف به حسب هر موردی متفاوت است. (روحانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۴۲)

اشکال پنجم

طبق ضابطه بیان شده در شبهه غیر محصوره، ارتکاب هر طرف به خودی خود ممکن است. از این رو، مخالفت تکلیف معلوم ممکن می‌باشد. این در حالی است که عقل این مخالفت را منع کرده است. پس این ضابطه نمی‌تواند ثابت کند که حرمت مخالفت در اطراف شبهه غیر محصوره وجود ندارد و از آن جا که حرمت مخالفت قطعی در این نوع شبهه ثابت است، معلوم می‌شود که این ضابطه، ضابطه دقیقی نیست.

به بیان روشن‌تر، آن چه در علم اجمالی منع شده، مخالفت با تکلیف معلوم است، نه حصول علم به مخالفت، زیرا نهی نمی‌تواند به حصول علم در نزد مکلف تعلق گیرد که حصول علم از افعال اختیاری نیست. بنا بر این آن چه ممنوع است، مخالفت با تکلیف معلوم است و با ضابط محقق نایینی قدرت بر مخالفت با تکلیف وجود دارد، چرا که هر طرف از اطراف علم اجمالی به تنهایی قابل ارتکاب هستند و با این فرض، قدرت بر مخالفت تکلیف ثابت می‌باشد و عقل نیز حکم به ممنوعیت آن ارتکاب می‌کند. به این ترتیب، ضابطه ایشان محصلی ندارد. (اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۱)

پاسخ اشکال پنجم

به نظر می‌رسد در این اشکال، مبنای محقق نایینی در منجزیت علم اجمالی لحاظ نشده و طبق غیر مبنای او اشکال مطرح شده است. در نظر نایینی، علت حرمت مخالفت قطعی، تعارض اصول مؤمن در اطراف علم اجمالی با علم به تکلیف است و به خاطر همین تعارض است که وجوب موافقت قطعی در اطراف علم اجمالی ثابت می‌شود. از این رو، بدون لحاظ تعارض اصول، خود علم اجمالی نمی‌تواند مخالفت احتمالی را حرام کند، زیرا که مخالفت احتمالی است و علم اجمالی فی نفسه، فقط نسبت به مقدار معلوم خود بیان دارد و در مابقی مقدار معلوم بیانی نخواهد داشت. پس مخالفت احتمالی ممنوع نیست. البته بعد از این که کار به تعارض اصول در اطراف علم کشیده شود، به سبب تعارض و تساقط اصول مؤمن، مخالفت احتمالی نیز ممنوع می‌شود، اما این ممنوعیت به خاطر خود علم اجمالی نیست. با توجه به این نکته واضح می‌شود که این اشکال نیز بر نظریه محقق نایینی وارد نمی‌باشد، چرا که به نظر ایشان ارتکاب بعضی از اطراف شبهه به تنهایی موجب مخالفت با حکم عقل به ممنوعیت ارتکاب نمی‌شود. به بیان دیگر، در نظر محقق نایینی، حکم عقل به قبح مخالفت قطعی تعلق گرفته است، نه به مخالفت با تکلیف معلوم به اجمال. اساسا تکلیف معلوم به اجمال، نسبت به ما سوای مقدار معلوم تفصیلی بیانی ندارد تا مخالفت با یکی از اطراف شبهه غیر محصوره مخالفت با تکلیف معلوم باشد. (روحانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۴۴)

اساسا این اشکال طبق مسلک علیت در منجزیت علم اجمالی نیز ثابت نخواهد بود، زیرا همان طور که بیان شد، طبق ضابطه محقق نایینی در اطراف علم اجمالی اساسا تکلیف فعلی نخواهد بود به نسبت به بعض اطراف غیر مقدور. تکلیف غیر فعلی اساسا مورد حکم عقل به ممنوعیت و قبح واقع نخواهد شد، پس بحث از این که مخالفت احتمالی ممنوع است یا خیر، اساسا مجالی پیدا نخواهد کرد.

اشکال ششم

ملاک در تأثیر علم اجمالی فعلیت یا عدم فعلیت تکلیف است، اما طبق ضابطه محقق نایینی، تکلیف در تمام اطراف فعلی است. بنا بر این وجهی برای عدم منجزیت علم اجمالی که او بر ضابطه خود مترتب کرده است، وجود ندارد. توضیح آن که هر کدام از اطراف علم اجمالی قابلیت ارتکاب را دارند. بنا بر این تکلیف می‌تواند متعلق به آن باشد، زیرا تعلق تکلیف به مقدور مانعی ندارد. آن چه که عادتاً ممکن نیست، ارتکاب همه اطراف است، زیرا انتزاعی عقلی می‌باشد و قابلیت تعلق تکلیف هم به آن وجود ندارد. پس مکلف قابلیت ارتکاب آن چیزی را دارد که می‌تواند متعلق تکلیف باشد. همین مسأله، برای تعلق گرفتن خطاب و تنجیز علم اجمالی کافی است. بعد از تنجیز علم اجمالی، هم وجوب موافقت قطعی و هم حرمت مخالفت احتمالی و قطعی ثابت می‌شود. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۳۶)

پاسخ اشکال ششم

در این اشکال نیز بین قدرت در هنگام ارتکاب یک طرف و قدرت در هنگام ارتکاب اطراف خلط صورت گرفته است، زیرا آن چیز که وجود دارد و ثابت است، قدرت بر ارتکاب هر طرف به تنهایی است؛ اما آن چه که محل بحث ما است، قدرت بر ارتکاب اطراف است. قدرت بر ارتکاب اطراف نیز وجود ندارد، زیرا مفروض آن است که اطراف به حدی زیاد است که عادتاً امکان استعمال همه آن‌ها وجود ندارد، بنا بر این، استعمال هر طرف وقتی مقدور می‌شود که مقید شده باشد به عدم ارتکاب اطراف دیگر و تا زمانی که چنین تقییدی صورت نگرفته باشد، ارتکاب هیچ طرفی مقدور نیست، زیرا مقید نشده است. بعد از ثبوت تکلیف در طرفی به فرض ترک سایر اطراف، این تکلیف قابلیت تنجیز ندارد، زیرا طبق مبنای محقق نایینی علت تنجیز علم اجمالی تعارض اصول مؤمن با علم به تکلیف بود، اما در این حالت چنین تعارضی به جهت عدم جریان اصل در سایر اطراف واقع نخواهد شد.

اشکال هفتم

ترخیص در مخالفت قطعی قبیح است و با صرف عدم قدرت عادی بر آن، قبحش از بین نمی‌رود. ظلم قبیح است و اگر یقین داشته باشیم کسی ظلم نمی‌کند، باز هم قبح آن ثابت است و از بین نمی‌رود. (صدر، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۴۳) در محل بحث نیز جواز مخالفت قطعی قبیح است و حتی با فرض عدم امکان عادی مخالفت قطعی، چنین قبحی از بین نمی‌رود. پس باز هم آن ترخیص قبیح بوده و چون فعل قبیح از شارع حکیم صادر نمی‌شود، چنین ترخیصی صادر نشده است. با این بیان ثابت می‌شود که ضابطه نایینی نمی‌تواند عدم منجزیت علم اجمالی در اطراف شبهه غیر محصوره را که خود او بر نظریه‌اش مترتب کرده بود، ثابت نماید.

پاسخ اشکال هفتم

بله، چیزی که قبیح است، همیشه قبیح است و به امکان یا عدم امکان ارتکاب آن ربطی ندارد، اما در شبهه غیر محصوره چنین اتفاقی رخ نداده است، زیرا ترخیص در مخالفت قطعی داده نشده است. توضیح آن که مخالفت قطعی، یعنی ارتکاب اطراف علم اجمالی به گونه‌ای که یقین به مخالفت با تکلیف معلوم حاصل شود. اما در محل بحث مفروض آن است که بعضی از اطراف قابلیت ارتکاب را ندارند، بنا بر این از ابتدا امکان ترخیص در این بعض وجود ندارد، زیرا ترخیص به مقذور تعلق می‌گیرد نه به غیر مقذور. بدین ترتیب، در ضابطه محقق نایینی اساساً ترخیص به مخالفت قطعی رخ نداده است تا چنین اشکالی مطرح شود.

به نظر می‌رسد منشأ این اشکال عدم تفتن به نکته‌ای باشد که ذیل توضیح مبنای نایینی بیان شد. در آن جا گذشت که قول نایینی مبنی بر جواز مخالفت قطعی در اطراف شبهه غیر محصوره در حقیقت، قضیه‌ای سالبه به انتفاء موضوع است، زیرا طبق ضابطه او وقتی شبهه غیر محصوره می‌شود که مخالفت قطعی ممکن نباشد، نه وقتی که مخالفت قطعی ممکن باشد و شارع در آن ترخیص داده باشد، زیرا همان طور که مستشکل بیان کرد ترخیص در مخالفت قطعی به هر صورتی که باشد، قبیح است.

بعضی تطبیقات فقهی مسأله

۱. یکی از فرعی‌های بخش وضو از کتاب الطهاره کتب فقهی، حکم وضو گرفتن از ظرف آبی است که با ظروفی نجس یا مغصوب مشتبه شده باشد. در این مسأله، اگر یک ظرف مغصوب یا نجس در میان ظرف های زیاد آب قرار بگیرد و تشخیص آن برای مکلف ممکن نباشد، شبهه غیر محصوره می‌باشد. در این حالت واضح است که اجتناب از اطراف این شبهه لازم نخواهد بود و هم چنین طبق ضابط محقق نایینی نیز اجتناب از اطراف شبهه لازم نخواهد بود، زیرا طبق فرض هم اطراف شک زیاد است و هم عادتاً امکان استفاده از همه این ظروف وجود ندارد. (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۵۰) سید محسن حکیم ذیل این فرع در کتاب خود به محقق نایینی ایراد وارد کرده و ضابطه او را که باعث جواز وضو گرفتن در این فرع شده، مخدوش دانسته است. اشکال او، شبیه اشکال ششم می‌باشد که بیان و پاسخش گذشت. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۴۷)

۲. در یکی از تقریرات محقق نایینی نکته‌ای مبنی بر این که آیا بعد از سقوط منجزیت علم اجمالی در اطراف شبهه غیر محصوره، حکم هر طرف باید به وسیله قواعد جاری در شکوک بدوی تعیین شود یا این که حکم هر طرف به محض از بین رفتن علم اجمالی معین می‌گردد، مطرح شده است. محقق نایینی در این مسأله مبنایی اتخاذ نکرده و تعیین حکم مسأله را بر تأمل بیشتر متوقف کرده است. به عنوان مثال، در صورتی که صحت وضو بر احراز اطلاق آب متوقف باشد و ما علم اجمالی داشته باشیم از این صد ظرف آب، یکی مضاف است، در این صورت از آن جا که شبهه غیر محصوره است، احتیاط لازم نیست حال اگر بگوییم که بعضی از اطراف، حکم ظرف بدون شبهه را دارند، وضو گرفتن با آب آنها جایز خواهد بود اما اگر بگوییم بعض اطراف حکم شک بدوی را دارند، وضو گرفتن با آب آنها جایز نخواهد بود زیرا اصلی برای احراز اطلاق آب نداریم. البته عدم امکان جریان اصل در این حالت که شک بدوی است، طبق نظریه نایینی است، زیرا تنها اصلی که فرض جریان دارد برای این که اطلاق آب را ثابت کند، اصل استصحاب می‌باشد، اما نایینی اساساً معقول در باب اصول محرزه را به گونه‌ای

می‌داند که قابلیت جریان در اطراف علم اجمالی را ندارند. (نایینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴) از این رو، در این مثالی که برای حالت شک بدوی زده است، اصلی برای احراز تعبدی اطلاق آب در اختیار ندارد. البته نایینی در این فرع اتخاذ مبنای فقهی نکرده است و در کتب فقهی او نیز مطلبی درباره این موضوع به چشم نمی‌خورد.

نتیجه

پس از بررسی‌های صورت گرفته در تبیین مراد محقق نایینی و اشکالات وارد شده بر آن، آن چه به نظر صحیح می‌رسد، دقیق بودن این ضابطه است، زیرا این ضابطه از طرفی باعث سقوط منجزیت علم اجمالی می‌شود که مطلوب ما در شبهه غیر محصوره است. از طرف دیگر در آن خلطی با دیگر مناشیء سقوط منجزیت علم اجمالی مثل خروج از محل ابتلا قبل از تنجز، دیده نمی‌شود. هم چنین اشکالی که بتواند باعث ابطال آن باشد، وجود ندارد. از این رو، نظریه‌ای دقیق خواهد بود.

نکته‌ای که در باب پژوهش در شبهات محصوره و غیر محصوره می‌تواند حائز اهمیت باشد، این است که اساساً علت تقسیم شبهات اطراف علم اجمالی به این دو قسم چه بوده است؟ آیا این تقسیم، تقسیمی پیشینی بر ادله منجزیت اطراف علم اجمالی بوده، یا این که تقسیمی پسینی و به واسطه حدود و ثغور ادله دال بر منجزیت علم اجمالی می‌باشد؟ بررسی این موارد و مواردی دیگر، هم چون بررسی تفاسیر از این دو نوع شبهه با توجه به مسالک موجود در تفسیر حقیقت علم اجمالی، می‌تواند راهی جدید را در برخورد صحیح و البته قابل به کار گیری در ادله فقهی را بگشاید.

منابع

۱. اصفهانی، محمد حسین (۱۳۷۴ش). *نهایة الدراية في شرح الكفاية*. چاپ اول. قم: سيد الشهداء.
۲. امام خمینی، روح الله (۱۴۱۵ق). *انوار الهداية في التعليقة على الكفاية*. چاپ دوم. تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی.
۳. أنصاری، مرتضى (۱۴۱۶ق). *فرائد الأصول*. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم.
۴. حکيم، سيد محسن (۱۴۱۶ق). *مستمسک العروة الوثقى*. قم: مؤسسه دار التفسير.
۵. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *دراسات في علم الأصول*. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام.
۶. خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مصباح الأصول*. چاپ اول. قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۷. روحانی، سيد صادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق عليه السلام*. چاپ اول. قم: دار الكتاب - مدرسه امام صادق عليه السلام.
۸. روحانی، محمد (۱۴۱۳). *منتقى الأصول*. چاپ اول. قم: دفتر آیت الله سيد محمد حسینی روحانی.
۹. صدر، محمد باقر (۱۴۰۸ق). *مباحث الأصول*. چاپ اول. قم: مطبعة مركز النشر - مكتب الإعلام الإسلامی.
۱۰. صدر، محمد باقر (۱۴۱۲ق). *دروس في علم الأصول*. چاپ اول. قم: دار الهدی.
۱۱. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق). *بحوث في علم الأصول*. چاپ سوم. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام.
۱۲. عراقی، ضياء الدين (۱۴۱۷ق). *نهایة الأفكار*. قم: دفتر الإنتشارات الإسلامی.
۱۳. نایینی، محمد حسین (۱۳۵۲ش). *أجود التقريرات*. چاپ اول. قم: مطبعة العرفان.
۱۴. نایینی، محمد حسین (۱۳۷۶ش). *فوائد الأصول*. چاپ اول. قم: جامعه مدرسين حوزة علمیه قم.